

عنوان مقاله:

عقل گرایی و سیاست عمومی: روش تحلیل یا سیاست های نمادین

محل انتشار:

نخستین کنفرانس ملی پژوهش های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 9

نویسندگان:

عبداله عارفی نهاد - کارشناس ارشد حسابداری

احد عارفی نهاد - دانشجوی دکتری مدیریت

خلاصه مقاله:

این مقاله، تمایز میان تحلیل فزاینده و سیاست های فزاینده را ادامه می دهد که از جانب لیندبلوم در مقاله ۱۹۷۹ اش طول و تفصیل داده شده است. بر اساس استدلال ما در حالی که عقل گرایی به عنوان روش تحلیل بخش اعظمی از اهمیت خود را از دست داده است، عقلگرایی به عنوان سیاست های نمادین هنوز حائز اهمیت است و ارموزه بیش از گذشته در زمان نگارش مقاله مشهور ۱۹۵۹ لیندبلوم، حضور بیشتری دارد. تغییر اخیر به سوی روش های جدید حکومت که در آن به مقامات انتخاب شده بیش از پیش قدرت های تصمیم گیری بربروکراسی های مستقل سپرده می شود- آنچه ماژون "حالت نظارتی" می نامد یا آنچه بریتانیایی ها به عنوان "اداری سازی" یا "ظاهرا" غیر دولتی ساختن "توصیف می کنند - کمبود مشروعیت برجسته ای برای آن دسته موسسات ضد پیروی از اکثریت پدید آورده است که صلاحیت سیاسی بدون الحاق هر گونه لینک مستقیم به فرایند انتخاباتی را تمرین می کنند. در چنین شرایطی - و علاوه بر رشد بیاعتمادی عمومی در جهت سیاست های متعصبانه - سیاست های عقل گرایانه به احتمال زیاد فراگیرتر می شوند در حالی که بروکراسیهای مستقل فاقد مشروعیت برای تشخیص عمومی رشد یا بنده گرایی بنیادی - و در نتیجه ماهیت انباشته از ارزش های فرایندهای تصمیمگیری شان - است. به منظور توسعه این ایده ها، مقاله نگاهی بر مورد "موسسات علی حسابرسی" دارد. به این بحث می پردازیم که مدل اجمالی ابزاری برای SAI ها می باشد تا تغییر جهت آنها از حسابرسی مالی سنتی تا حسابرسی عملکردی را مشروعیت قانونی بخشد. در مقایسه با دیگر بروکراسی های مستقل، آنها بویژه مستعد سیاست های عقل گرایانه نه تنها به علت استقلال سازمانی شان، بلکه به علت سنت حسابرسی مالی و ارتقاء مدیریت عمومی جدیدشان می باشند.

کلمات کلیدی:

عقل گرایی، سیاست عمومی، سیاست نمادین

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1256541>

